

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگزلو

۲۶ اپریل ۲۰۲۰

## مارکسیسم فلکسودوکس در معرض ابتلا به کرونا!

### ۳. آگامین در آغوش وضعیت عادی

بوق ترمپ و دوستان (یک سرماخوردگی ساده!)

کمتر از یک هفته پس از آن که نوام چامسکی از قرنطینه به امی گودمن گفت که «شک ندارد چینی‌ها از همان ابتدای دسترسی به ژنوم ویروس کووید ۱۹ سازمان بهداشت جهانی و البته کاخ سفید را در جریان خطرات اپیدمی گذاشته بودند» (نقل به مضمون)، مدیر کل این سازمان نیز طی مصاحبه‌ای – در تاریخ ۲۱ اپریل – یادآور شد که «واشنگتن از روز اول در جریان مسایل مربوط به شیوع ویروس کرونا جدید در ووهان چین بوده است.» تدریس آدانوم گبریسوس همچنین اضافه کرد: «ما از روز اول هشدار دادیم که این دیوی است که همه باید با آن بجنگند. بدترین وضعیت هنوز پیش روی ما است. این ویروسی است که بسیاری از مردم هنوز آن را درک نمی‌کنند.»<sup>۱</sup>

عدم "درک" هولناکی و کشندگی ویروس – که دبیر کل آن را با آنفلانزای اسپانیایی ۱۹۱۸ مقایسه می‌کند و نام "دیو" بر آن می‌نهد – امر پیچیده‌ای نیست! حتی اگر اکثریت مردم از جزئیات ژنوم ویروس نیز مطلع شوند کار زیادی از دست‌شان ساخته نیست. توصیه‌های سانتی مانثال "در خانه بمانید" و "دست‌های‌تان را بشوئید" خیلی زود و در غیاب بسته‌های حمایتی دولت‌ها و ترجیح رونق اقتصادی بر بهداشت و سلامت جان، رنگ باخت و کار و زندگی با حضور "دیو" به "روال عادی" بازگشت! پس پشتِ واژگونی حقیقت اما مؤلفه‌های ساده و پیچیده دیگری به چشم می‌آید. بی-تردید این "بسیاری از مردم" که دبیر کل WHO معتقد است "هنوز [خطر] را درک نمی‌کنند" نه به سبب اطلاع از دانش پزشکی، بلکه به این دلیل که همه روزه شاهد به خاک افتادن یکی از همسایگان خود هستند، به اندازه خودشان به درجه خطر و عمق فاجعه آشنا هستند. نیازی به استدلال نیست. این ویروس – که یکی از کاهنان بورژوازی (ژیزک) آن را به نقل از معاون وزیر بهداشت ایران "دموکراتیک" خوانده بود – مانند هر پدیده دیگری به شدت طبقاتی عمل کرده و بیشترین قربانی را از همان "مردم" پاپتی گرفته است که دبیر کل می‌گوید خطر را "درک نمی‌کنند". با این حال نکته پیداست که در چارچوب وضع موجود "درک خطر" و هر اندازه آگاهی طبقاتی براحتی مرعوب تمکین به استعمار تنیده به نان و کار می‌شود. در واقع این مردم نیستند که به خاطر عدم درک خطر ویروس، همه‌گیری را دامن زدند و شرایط زیست و کار را به "وضعیت استثنائی" کنونی تبدیل کردند. "مردم" از هر جنسی که باشند و هر برداشت غیر طبقاتی و پوپولیستی که به ذهن تبادر کنند، از جنس نخبگان حاکم و سیاست‌مدارانی نیستند که جهان را به جهنم کنونی مبدل کرده‌اند. آنها که مدت‌ها پیش از این همه‌گیری زنگ خطری را که با صدای گوشخراش بلند شده بود

به عمد نشیندند و به جای اتخاذ تمهیداتی برای کشف واکسین به لودگی پرداختند متهم اصلی کشتار کووید ۱۹ هستند! در ایالات متحد که ویروس بیشترین تلفات را بر جای گذاشته و کماکان می‌کشد، تمام اسناد "عادی سازی" خطر بر پایه دامن زدن به "توهم توطئه" با دستان خونین و آلوده نخبگان حزب جمهوری خواه، گنگ‌های مطبوعاتی محفل "فاکس و دوستان" و مشاوران "جون جونی" دونالد ترمپ تولید شده است. اینها یکی پس از دیگری برای "عادی سازی" یک "وضعیت استثنائی" وارد میدان شدند. هیچ یک از اینها "فیلسوف" نیستند! "چپ" هم نیستند! سهل است همه بدون استثناء از سر دسته‌های دست راستی‌ترین محافل رسانه اصلی در امریکا هستند!

پت هگست (Pete Hegest) از حامیان مالی "فاکس نیوز": «من هر اندازه که به اطلاعات بیشتری در خصوص کرونا ویروس می‌رسم از نگرانی‌ام کاسته می‌شود. خطر کشندگی ویروس مبالغه آمیز است.»  
جنین پیرو (Jeanine Pirro) مجری برنامه "عدالت و قاضی" در فاکس نیوز: «ویروس کرونا دقیقاً مانند آنفلانزا عمل می‌کند. هر چند ویروس آنفلانزا خیلی کشنده‌تر از کرونا ویروس جدید است.»  
لو دابز (Lou Dobbs) مجری فاکس نیوز: «مطبوعات چپگرا قصد دارند مردم را از خطر کرونا ویروس بترسانند.»  
شان هنیتی (Sean Hannity) شومن راست افراطی فاکس نیوز: «هیچ انسانی در ایالات متحد از بیماری کرونا جان ن داده است. هیچ فردی!»

به جز این گنگسترهای مطبوعاتی کسانی مانند دکتر مارک سیزل (Dr. Marc Siegle) در همدستی با استیو دوسی (Steve Docy) و جرال ریورا (Geraldo Rivera) - همگی از فاکس نیوز - به وضوح مدعی شدند که «آنفلانزا به مراتب از کرونا ویروس خطرناکتر است!»<sup>۱</sup> حتا سناتور جمهوری خواه مت گیتس (Matt Gates) برای مسخره کردن خطر کرونا در ساختمان کنگره ماسک ضد گاز پوشید! اما به محض این که آژیر خطر همزمان با قتل عام شهروندان نیویورکی - که غالباً از سیاهپوستان فقیر بودند - به صدا درآمد، شان هنیتی که مدعی شده بود "هیچ فردی در امریکا نمرده است" به میدان پروپاگاندای جمهوری خواهان پیچید و پیچ صدای فاکس نیوز را روی آخرین درجه‌اش گذاشت که: «ما همیشه شیوع کرونا را مهم تلقی کرده‌ایم!»

اشتباه نکنید. اینها فقط دروغگوئی نیست! تغییر موضع به نفع واقعیت سخت نیز نیست! موضوع بسیار فراتر از مباحث و مواعظ اخلاقی است.

در نیمه نخست مارچ دست‌انداها برای ورود خرامان رئیس بزرگ آماده می‌شد تا جمله‌ها و عبارت‌ها و واژه‌ها و چرخش‌ها و دروغ‌های مکرر به شیوه‌ای جدید تکرار شود. رفت و برگشت از "شرایط عادی" به "وضعیت استثنائی" خیلی ساده است. کافی است در لافزنی حرفه‌ئی باشید: «لافزنی در مورد خود و دست‌کم گرفتن دیگران یکی از عوارضی است که دونالد ترمپ رئیس جمهوری امریکا از آن رنج می‌برد. ظرف مدت دو ماه او خطر ویروس و شیوع آن در ایالات متحد را دست کم گرفت و به وزیر امور خارجه خود گفت که ویروس کرونا باید به عنوان "ویروس ووهان" نامیده شود و تأکید کرد که همه چیز تحت کنترل است. او پیامبروار پیش بینی کرد "از بین می‌رود، روزی مانند یک معجزه از بین می‌رود." او نتیجه می‌گرفت "به نظر من وضع بورس خوب است." او از دموکرات‌ها ایراد می‌گرفت که از ویروس کرونا استفاده سیاسی می‌کنند و تلویحاً می‌گفت مخالفانش از طرح آن قصد "باج‌خواهی" دارند. او مطبوعات {مخالف خود} را به رفتار عصبی متهم می‌کرد. اما اخیراً او با بازنویسی بی‌شمارانه رویدادهای هفته‌های اخیر، لحن خود را عوض کرد و خلاف آنچه پیشتر توصیه می‌کرد، گفت: "این یک شیوع جهانی است. من مدت‌ها پیش از این که دیگران دریابند می‌گفتم این یک شیوع جهانی است." وقتی رویدادی ما را غافلگیر کرد و انمود می‌کنیم که خود اطلاع دهنده آن بوده‌ایم.»<sup>۲</sup>

خلاف نتیجه‌گیری کریستین جورت (Christian Jouret) روش مطبوعاتی دونالد ترامپ – که مستقیماً از اتاق‌های فکر مستقر در فاکس نیوز تغذیه می‌شود – مطلقاً ناشی از "غافلگیر شدن" و افتادن به دام تهاجم ناگهانی ویروس کووید ۱۹ نیست. دست‌کم گرفتن و درک نکردن خطر نیز نیست. سیاستی که دست راستی‌ترین محافل امریکا پس از تسخیر کاخ سفید با دونالد ترامپ اتخاذ کرده‌اند، خلاف تحلیل‌های رایج، سیاستی در تقابل با جهانی‌سازی‌های نئولیبرالی، حذف برنامه‌های معطوف به مقررات‌زدائی و تنظیم قوانین جدید بازار کار، حذف مالیات مؤسسه‌های عظیم مالی، تسریع تخریب محیط زیست و تهدیدات نظامی است. همه این سیاست‌ها که با عنوان ناسیونال فاشیستی "امریکا را به عظمت برگردانیم" صورت می‌بندد، تلاش گسترده و البته وحشیانه‌ای است که می‌خواهد "وضعیت استثنائی" ایجاد شده از سوی نئولیبرالیسم ریگانیستی را – که به بن بست خورده – به "وضعیت عادی" بازگرداند! روی دیگر چنین سکه‌ای بوریس جانسون و سیاست‌های جدید حزب محافظه‌کار است.

### آیا شما هواخواه "وضعیت عادی" هستید؟

جورجو آگامین نیز مانند اسلاوی ژیزک یک "فیلسوف شهیر چپ" است! او ظاهراً از هواداران "وضعیت عادی" است و – شاید – به همین خاطر وقوع همه‌گیری کووید ۱۹ را توطئه دولت‌ها برای ایجاد محدودیت‌های معطوف به "وضعیت استثنائی" می‌داند. نخستین نکته شگفت‌انگیز در تحلیل آگامین پیرامون همه‌گیری کرونا ویروس، مانسنگی عجیب نظر او به محافل وابسته به فاکس نیوز است! آگامین مانند روزنامه‌نگاران نزدیک به ترامپ، کرونا ویروس را چیزی شبیه آنفولانزا، گونه‌ای سرماخوردگی و حداکثر ذات‌الریه می‌داند. او می‌نویسد:

«برای فهم تمهیدات اضطراری و سرآپا شتابزده، غیر عقلانی و مطلقاً بی‌موردی که در ارتباط با به اصطلاح اپیدمی ویروس کرونا اتخاذ شده، باید از اعلامیه شورای تحقیقات ملی ایتالیا (NRC) شروع کنیم که می‌گوید: "هیچ نوع اپیدمی SARS – COV2 وجود ندارد." در ادامه این اطلاعیه آمده: "بنا به داده‌های اپیدمی شناختی که تاکنون در دست داریم و بر اساس ده‌ها هزار مورد تجربی، این عفونت در ۸۰ تا ۹۰ درصد موارد با علائم خفیف/معتدلی (مربوط به گونه‌ای سرماخوردگی) همراه است. در ۱۰ تا ۱۵ درصد موارد امکان بروز ذات‌الریه وجود دارد، هر چند این بیماری در عین حال در غالب موارد به وضعیت وخیمی منجر نمی‌شود. تخمین زده می‌شود تنها ۴ درصد بیماران به درمان جدی نیاز دارند.»

آگامین به اعلامیه "شورای تحقیقات ملی ایتالیا" کاملاً اعتماد دارد. او تمام تحلیل فلسفی – وابسته سیاسی – خود را بر مبنای اعتماد به همین اعلامیه بنا می‌نهد. در واقع او برای "تحلیل فلسفی" خود به مفاد چنین اطلاعیه‌ای نیاز دارد. این اطلاعیه مدرکی مستند برای وارد شدن آگامین به مهلکه‌ای است که او را با "زبان و ادبیات چپ" در کنار دست راستی‌ترین سیاستمداران محافظه‌کار امریکا می‌نشانند. با این تفاوت که سیاستمداران برای چرخش فرصت‌طلبانه نظرات خود نه نیازی به "تحلیل فلسفی" دارند و نه اساساً خود را ملزم به پس گرفتن مواضع پیشینی می‌دانند. در "تحلیل فلسفی" آگامین بیش از هر پدیده‌ای این نکته توی ذوق می‌زند که او از پیش تصمیم گرفته است که خطر همه‌گیری کشنده کووید ۱۹ را ناشی از توطئه دولت‌ها بداند و برای اثبات نا به کاری همین دولت‌ها به بیانیه‌های مراکز بهداشتی آنان ارجاع دهد! بر مبنای چنین تناقض ساده‌لوحانه‌ای است که "فیلسوف" ما با اعتماد فاکت گونه به اعلامیه "شورای تحقیقات ملی ایتالیا" – که آن را "واقعیت" می‌خواند – نتیجه می‌گیرد:

«اگر واقعیت چنین است چرا رسانه‌ها و مقامات حداکثر سعی خود را به خرج می‌دهند تا حال و هوایی وحشت‌زده و اضطراب‌آور ایجاد کنند و از این طریق به یک وضعیت استثنائی دامن بزنند؟ آن هم وضعیت استثنائی که محدودیت-

های سخت و جدی‌تر بر نقل و انتقال ایجاد می‌کند و زندگی روزانه و فعالیت‌های شغلی را در بسیاری مناطق مختل می‌سازد؟»

"مقاله" جورجو آگامبن برای نخستین بار در تاریخ ۲۶ فیرووری ۲۰۲۰ در مجله "مانیفست" تحت عنوان "وضعیت استثنائی برآمده از اضطراری برانگیخته نشده" منتشر شد! یعنی دقیقاً ۲۸ روز پیش از این که «در نتیجه آزمایشات انجام شده بر روی ۵۶ شهروند ایتالیائی آورده شده از ووهان چین، در یک نفر نوع جدید اپیدمی ویروس کرونا تثبیت شود.» اگر منبع خبری "تحلیل فلسفی" آگامبن را علاوه بر اطلاعیه "شورای تحقیقات ملی ایتالیا" بر پایه "وضعیت عادی" کشورش قرار دهیم و از این ارفاق ویژه برای او استفاده کنیم که پیش از این "تحلیل درخشان" هنوز بیش از ده میلیون شهروند ایتالیائی در منطقه لمباردی در وحشتی کم و بیش مانسته به دوران فاشیسم در خانه حبس نشده و نزدیک به ۲۰ هزار نفر نمرده بودند، آن‌گاه می‌توانیم کل تحلیل پوچ "فلسفی" او را زیر فرش کنیم و "روزنامه" ای که "مقاله" مورد نظر را چاپ کرده به مصرف شیشه پاک کردن برسانیم. مسأله اما این نیست. غالب منتقدان این "مقاله" آگامبن تمرکز خود را بر درک غلط او از همه‌گیری ویروس گذاشته و وی را به "توهم توطئه"، "افتادن در دام تضادهای ساختگی"، "گفتارهای امنیتی، نگرانی از دشمن فرضی" و مشابه متهم کرده‌اند. در تمام این تحلیل‌های انتقادی حقایق قابل تأملی دیده می‌شود. اصل موضوع اما چیز دیگری است. آگامبن همه‌گیری کرونا ویروس را فرصتی مطلوب و برساخته دولت‌ها برای گذر از "وضعیت عادی" و گذار به "وضعیت استثنائی" جا می‌زند و به انتقاد "رادیکال" از "وضعیت جدید" می‌پردازد. به نظر او این وضعیت جدید "استثنائی" و "فرمان‌های اجرائی" آن به منظور ایجاد "محدودیت‌های جدی"، همگی ساختگی است. او فهرستی از این محدودیت‌ها را "لیست" می‌کند تا نتیجه بگیرد که:

«به وضوح می‌توان دید که این محدودیت‌ها تناسبی با تهدید موجود ندارند.»

این "تهدید موجود" پیش پا افتاده از نظر آگامبن همان "سرماخوردگی عادی است" که برای "ایجاد ترس" در غیاب ته کشیدن خطر "تروریسم" از سوی دولت‌ها تراشیده شده! به اعتبار تحلیل تخیلی جورجو می‌توان داعش را نیز خطری الکی برای ایجاد وضعیت استثنائی دانست. آن‌ها که کمی بیش از فیلسوف ما با روابط بین‌الملل آشنا هستند و نظریه پردازان جنگ دوران جنگ سرد را می‌شناسند با اصل چنین مقولاتی که از سوی امثال گراهام فولر فرموله شده است؛ آشنا هستند!

از قرار آگامبن در شهر رم زندگی می‌کند. کمتر از ۱۳ روز پس از انتشار این "تحلیل فلسفی" همه‌گیری کووید ۱۹ محل "زیست فلسفی" و روزمره آگامبن را به چنان گودال هولناکی فرو کشید که دولت جوزپه کونته ناگزیر به اعلام قرنطینه شد. این سیاست علاوه بر منطقه لمباردی، چهارده استان همجوار آن را نیز فرا گرفت و پرچم نظام اجتماعی تولید سرمایه‌داری ایتالیا را عملاً پائین کشید. پائین کشیدن پرچم تولید و سود وقتی که از مسیری غیر از اعتصاب کارگری و با دستان سرمایه‌داران صورت می‌گیرد، روایتی جدید از داستان بحران‌های سرمایه‌داری را به ثبت می‌رساند. برای نخستین بار نه "اضافه تولید" و نه "گرایش نزولی نرخ سود" و نه "سرمایه موهوم" و نه "سهام اشتقاقی" و ورشکستگی سرمایه مالی و نه جنگ و نه هزاران کوفت و زهرمار دیگر برخاسته از تناقض‌های پایان ناپذیر "پایان تاریخ"، "بهشت موعود" بازار آزاد را به یک جهنم واقعی برای همه تبدیل کرده است. عجیب است که آگامبن از درک این پدیده "طبیعی" ناشی از تعرض وحشیانه سرمایه داری به "طبیعت" عاجز است و "عوارض" آن را فرصتی مطلوب برای دولت‌های سرمایه‌داری به منظور ایجاد "وضعیت استثنائی" می‌داند. دلخوری آگامبن از محدودیت‌های ایجاد شده حاکی از دل‌تنگی او برای بازگشت "وضعیت عادی" است. او درک نمی‌کند که این محدودیت و به ویژه تعطیل شدن کار و تولید، زمانی که از سوی کارگران و با هدف امتیازگیری از سرمایه‌داران شکل نبندد، عواقب وخیم-

اش به طبقه کارگر تحمیل می شود! طی دو سه ماه گذشته ثابت شده است که این محدودیت‌ها در وضعیت استثنائی بیش از آن که به سود مناسبات سیاسی نظامی و امنیتی برخاسته از ایده فرضی تحکیم "وضعیت استثنائی" باشد به زیان کارگرانی است که میلیون میلیون بی‌کار می‌شوند، خلاف کارمندان و استادان دانشگاه قادر به "دورکاری" نیستند و مزدی نمی‌گیرند، از بیمه‌های بیکاری بی‌بهره‌اند و به خدمات بهداشتی درمانی نیز دسترسی ندارند! مضاف به این که دولت‌های سرمایه‌داری اصلی و پیرامون نیز از ایجاد وضعیت استثنائی نه فقط سودی نبرده‌اند و نمی‌برند بلکه در آستانه فرو رفتن در بزرگترین رکود تاریخی سرمایه‌داری بعد از دبیرشن بزرگ قرار گرفته‌اند!

بحران ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ به پایان خواهد رسید و بورژوازی از طریق انجماد دستمزدها و حذف بیشتر امکانات اجتماعی و خدمات عمومی و اتخاذ سایر سیاست‌های ریاضتی جدید دست به یک تجدید آرایش طبقاتی خواهد زد. بر پایه علاقه احتمالی آگامین این تجدید آرایش بازگشت به شرایط عادی و جمع کردن همه "محدودیت‌ها" خواهد بود. قیچی کردن سیم خاردارهای قرنطینه در راستای رونق تولید و بازگشت اقتصاد به "روال عادی" از هم اکنون و در حالی که همه کارشناسان و متخصصان امور بهداشتی درمانی و سازمان بهداشت جهانی به طور مکرر نسبت به همه‌گیری‌های جدید هشدار می‌دهند، شروع شده است. بازگشت به وضعیت عادی بازگشت به وضعیت استثمار بی سر و صدا است! تمام تلاش دولت ترمپ - و همه دولت‌های دیگر - شکستن محدودیت‌های "وضعیت استثنائی" است. "وضعیت استثنائی" برای یک برهه دست‌کم دو ماهه استثمار کارگران و روند ارزش‌افزایی را متوقف کرده بود، بی‌آن که منفعتی برای طبقه ما داشته باشد. خلاف کل تحلیل تخیلی آگامین این دولت‌های سرمایه‌داری نبودند که "وضعیت استثنائی" را رقم زدند! وضعیت استثنائی علی‌رغم میل این دولت‌ها بر تمام اجزای نظام اجتماعی تولیدی‌شان تحمیل شد!

نظریه پردازی‌های کاهنان بورژوازی یکی پس از دیگری پوچ از آب در می‌آید. پس از اقتدای اسلاوی ژبژک به سازمان بهداشت جهانی، پیروی آگامین از حرفی‌های روزنامه‌نگاران فاکس نیوز، پایه‌های چوبی استدلال زیست‌سیاست (Biopolitical) او را شکست و مبحث (The State of Expectation Provoked by an Unmotivated Emergency) "وضعیت استثنائی برآمده از اضطراری برانگیخته نشده" را به مضحک‌های تمام عیار تبدیل کرد. اجزای همه بحث ما در این جمله مشروط و معنی‌دار راب ویلکی (از نشریه "انتقاد سرخ") فشرده شده است:

«اگر آن طور که آگامین ادعا می‌کند، این ویروس وحشتی است که از سوی دولت‌های پنهان درست شده تا انسانیت را به هستی‌شناسی جدیدی از زندگی برهنه (Bare Life) فرو کاهد، [پرسش اساسی این است] پس زندگی پیش از این بحران چگونه بوده است؟ آنچه آگامین در گرایش و اشتیاق خود به منظور بازگشت به شرایط عادی شرح می‌دهد چیزی جز بازگشت به همان مناسبات شدیداً استثمارگرایی‌های نیست که بنیاد جامعه سرمایه‌دارانه بر مبنای آنها ریخته شده است.»

برای کارگران ارزیابی شرایط عادی و استثنائی زیست و کار بر پایه استثمار و درجه بهره‌مندی از ارزش‌زایی تعریف می‌شود. شکی نیست که طبقه کارگر بیش از هر طبقه و قشر دیگری از محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی صدمه می‌بیند و به همین سبب نیز اگر برآستی محدودیت‌های اجتماعی موجود - به تعبیر آگامین - برآیند و برآمده از شرایط اضطراری برانگیخته نشده و غیر ضروری بود سوسیالیست‌ها بیش از هر گرایش دیگری در مقابل آن می‌ایستادند و ضمن افشای دست‌های پیدا و پنهانی که به محدودیت‌هایی شرایط اضطراری دامن زده‌اند، کارگران و زحمت‌کشان را به شکستن تحدیدهای "برانگیخته نشده" فرا می‌خواندند. توصیه‌های سانتی‌مانتال و در عین حال اجتناب‌ناپذیری مانند "مراقب خودت باش"، "در خانه بمان" و لغو قرار ملاقات‌های گروهی و فاجعه‌بارتر از همه در خانه ماندن و بیکاری

بدون بهره‌گیری از دستمزد و بیمه بیکاری مکفا، همچون سمی مهلک نفس‌های طبقه کارگر را به شماره انداخته است. برای کارگران گذار سالم از "وضعیت استثنائی" کنونی زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که از شرایط عادی پیشینی نیز بگذرند. مسأله اصلی همان است که در این دیوار نوشته آمده:

«ما نمی‌توانیم به حالت عادی باز گردیم، چون حالت عادی که داشتیم مشکل اصلی است.»

نصف شب است دیگر جورجو!

از هر منظر که به تخیل توطئه محور موسوم به "تحلیل فلسفی" آگامبن وارد شویم یک نکته دیگر را نباید فراموش کنیم. ظاهراً او چندان هم به موازین شناخته‌شده دانش پزشکی اعتقادی ندارد. خاطره کمیک – تراژیک یکی از دوستان قدیمی آگامبن نه فقط حیرت‌انگیز است بلکه – می‌تواند – هواخواهان او را به نومیدی کشد. ژان لوک نانسی (فیلسوف فرانسوی) می‌نویسد:

«یادم نرفته است که جورجو یک دوست قدیمی است. متأسفم که پای خاطره‌ای شخصی را به میان کشم، اما هر چه باشد، قصد ندارم از مشارکت در تأمل و تدبیری عمومی کنار بکشم. حدود سی سال پیش، پزشک‌های معالجم تجویز کردند که عمل پیوند قلب انجام دهم. جورجو یکی از معدود کسانی بودند که توصیه کرد به حرف‌های آنها گوش نکنم. اگر به حرف او گوش کرده بودم، احتمالاً تا حالا مرده بودم. آدم ممکن است اشتباه کند. به هر حال جورجو یکی از جان‌های سرشار از نیکی و ظرافتی است که هنوز هم می‌توان او را – بی هیچ طعنه و کنایه – استثنائی نامید.»

اشتباه در تحلیل سیاسی و فلسفی پدیده پیچیده‌ای نیست. آگامبن می‌توانست پس از مشاهده کنکرت و امپریک قتل عام کووید ۱۹ – دست کم در محل زیست و کار خود – کل استدلال‌های مطلب پوچ "وضعیت استثنائی" را پس بگیرد و تمام انتقاد خود را معطوف نظام ناکارآمد اقتصادی حاکم بر ایتالیا کند. کاهنان بورژوازی اما مانند نخبگان و سیاستمداران این طبقه هرگز اشتباه نمی‌کنند!

ساعت با تلنگر کووید ۱۹ چند ثانیه دیگر به نیمه‌شب و لحظه نهائی فاجعه نزدیک‌تر شده است. کشیشان "چپ" اما مردم را به توطئه ارجاع می‌دهند و برای بازگشت شرایط عادی مشغول نیایش هستند! خوب است کسی به ایشان بگوید "ساعت چند است!"

این سلسله مقالات سه گانه با این نقد تمام است!

۶ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹ / ۲۵ اپریل ۲۰۱۰

۱. وب سایت politico.com که خبر کنفرانس مطبوعاتی دبیر کل WHO را تحت عنوان ( Coronavirus/ Who head warns worst of virus is still ahead) منتشر کرده است موضوع آگاهی و آشننگنن از درجه بالای خطر اپیدمی ویروس را "مکتوب" نکرده. این وب سایت فقط در انتهای خیر به هشدار دبیر کل پرداخته که:

“Trust us. The worst is yet ahead of us.... let’s prevent this tragedy. It’s a virus that many people still don’t understand.”

۲. در این زمینه ن.ک به مصاحبه نوام چامسکی با امی گودمن و ترجمان فارسی آن تحت عنوان : "انتخابات امریکا ، شیوع کرونا و امید به آینده" / ن. نوری زاده.

۳. <https://www.akhbar-rooz.com>

۴. در این میان مقاله انتقادی "کرونا، آیا وضعیت استثنائی است؟" نوشته مهتاب دهقان خواندنی است. دهقان علاوه بر تمرکز دقیق بر بلاوجه بودن تئوری توطئه و "سلاح نشأت کرده از آزمایش‌های بیولوژیک قدرت‌های امپریالیستی" به یک نکته مهم به منظور بایگانی کردن نظر آگامین اشاره می‌کند. او به نقل از ویرنو می‌نویسد: «مشکل آگامین اینجاست که نیروی کار را یک جنبه از زیست سیاست و زیست سیاست را همه چیز می‌داند. شاید به همین خاطر است که آگامین در خصوص واکنش‌ها به شیوع ویروس کرونا به جای تحلیل وضعیت و نشان دادن دینامیک نیروی کار / سرمایه داری [کار – سرمایه] فقط در نشان‌های زیست سیاست را می‌بیند. اینجاست که اقدامات امنیتی – کنترولی دولت در مقابله با کرونا فیلسوف ایتالیایی را چنان می‌ترساند که همچون کودکی وحشت‌زده فریاد می‌زند: "زیست سیاست، زیست سیاست"» همچنین تأکید مهتاب دهقان بر خطر کرونا برای سرمایه‌داری ایتالیا – «که آن را به آستانه ورشکستگی کشانده است.» – و طرح نکاتی همچون "کاهش سود شرکت‌ها" ، "تناقض‌های درونی کاپیتالیسم" ، "سود بیشتر از طریق کاستن از قدرت بهداشت و درمان" قابل توجه است. علاوه بر این‌ها اهمیت مقاله انتقادی دهقان راهکار او در تقابل با همه‌گیری کروناویروس است:

«مقابله با این تهدید نه با ایجاد شرایط استثنائی ممکن است و نه با بستن مرزها و محروم سازی از ارتباطات به دست دولت‌ها. مبارزه با شیوع کرونا و هر خطر فراگیر دیگر تنها با یک سازماندهی از پائین، متکثر و فراملی ممکن است. شرایط مادی چنین شکلی از سازماندهی از طریق بازتولید ثروت مشترک نظیر دانش و امکانات بهداشتی و منابع غذایی میسر خواهد شد. بنگرید به :

<https://www.radiozamaneh.com/491482>

۵. بنگرید به یادداشت "استثناء ویروسی شده" نوشته ژان لوک ناسی، مترجم

۶. <https://www.radiozamaneh.com/491646?>